

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2025; 17: e10

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Rereading the Treatments for Difficult Childbirth in the Exotic Science Texts of the Safavid Era (Case Study: Asrar Qasemi and Herz al-Amān men Fetan al-Zamān Treatises)

Seyed Saeid Seyed Ahmadi Zavieh¹, Seyedeh Maryam Poursaleh Amiri^{1*}

1. Department of Comparative and Analytic History of Islamic Art, Faculty of Theories and Art Studies, Art University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Manuscripts, as some of the most significant research documents and authentic works, are regarded as crucial sources for acquiring historical knowledge and are highly trusted by researchers. Accordingly, referring to ancient textual sources and extracting content related to medicine assists researchers in the process of social phenomenology. One of the fundamental issues in the social history of medicine is childbirth, which has been addressed in multifaceted texts due to its importance. This study examines supernatural treatments for the issue of dystocia (difficult childbirth) in two versions of the most renowned and credible sources on occult sciences from the Safavid era: "Asrar Qasemi" and "Herz al-Amān men Fetan al-Zamān" and analyzes them with a new approach.

Methods: This research employs an analytical method based on historical data and careful examination of primary sources from the Safavid era. To achieve this goal, manuscripts on occult sciences were revisited and studied.

Ethical Considerations: In compiling this research, principles of integrity and honesty in referencing texts, ensuring the authenticity of sources and avoiding bias in the analysis or interpretation of texts were observed.

Results: Supernatural medicine during the Safavid period was well-received due to prevailing social attitudes. Consequently, the writings of this era contain data on unorthodox medicine. The two prominent treatises of the Safavid era, "Asrar Qasemi" and "Herz al-Amān men Fetan al-Zamān", present supernatural recommendations for addressing dystocia within two distinct domains of beliefs and practices.

Conclusion: "Asrar Qasemi" treatise provides unconventional instructions involving alchemical methods, while "Herz al-Amān men Fetan al-Zamān" emphasizes the use of sacred words, prayers and the influence of Sufi movements to offer unorthodox solutions for dystocia. Specific elements to facilitate childbirth in the occult texts of the Safavid era are recommended, which involve the power of letters and sacred phrases, often presented in the form of written talismans or ingestible substances for the pregnant woman.

Keywords: Difficult Childbirth; Occult Sciences; Paranormal Medicine; Safavid Medicine

Corresponding Author: Seyedeh Maryam Poursaleh Amiri; **Email:** Maryamamiri867@gmail.com

Received: July 12, 2024; **Accepted:** January 29, 2025; **Published Online:** June 30, 2025

Please cite this article as:

Seyed Ahmadi Zavieh SS, Poursaleh Amiri SM. Rereading the Treatments for Difficult Childbirth in the Exotic Science Texts of the Safavid Era (Case Study: Asrar Qasemi and Herz al-Amān men Fetan al-Zamān Treatises). *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2025; 17: e10.



بازخوانی درمان‌های عسر ولادت در متون علوم غریبه عصر صفوی (مطالعه موردی؛ رساله‌های اسرار قاسمی و حرزالامان من فتن الزمان)

سیدسعید سیداحمدی زاویه^۱ ID، سیده‌مریم پورصالح امیری^{۱*} ID

۱. گروه تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: نسخ خطی به عنوان یکی از معتنابه‌ترین اسناد پژوهشی و اصالت اثر از مهم‌ترین منابع کسب آگاهی تاریخی محسوب می‌شوند و نزد محققان مورد وثوق‌اند. بر همین اساس رجوع به منابع متنی کهن و استخراج زمینه‌های مرتبط با طب، محققان را در فرآیند پدیدارشناسی اجتماعی یاری می‌رساند. یکی از مسائل اساسی در تاریخ اجتماعی پزشکی توالد می‌باشد که به دلیل اهمیت آن در متون چندوجهی مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش به تبیین درمان‌های فراطبیعی در مسأله عسر ولادت در دو نسخه از مشهورترین و موثق‌ترین منابع علوم غریبه عصر صفوی، رساله‌های «اسرار قاسمی» و «حرزالامان من فتن الزمان»، پرداخته و با رویکردی نو آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش: تحقیق پیش رو به شیوه تحلیلی با استناد به داده‌های تاریخی و مذاقه بر منابع دست اول عصر صفوی سامان یافته است. برای دستیابی به این هدف، نسخ خطی علوم غریبه بازخوانی و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این پژوهش، اصل امانتداری و صداقت استناد به متون مورد استفاده، اصالت منابع و پرهیز از جانبداری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، رعایت شده است.

یافته‌ها: طب فراطبیعی در دوران صفوی به دلیل نگرش‌های اجتماعی مورد استقبال قرار داشت. از این رو مکتوبات این دوران حامل داده‌هایی از طب فراهنجار می‌باشند. دو رساله مهم عصر صفوی، «اسرار قاسمی» و «حرزالامان من فتن الزمان» در دو عرصه متفاوت از باورها و اعتقادات توصیه‌هایی فراطبیعی در مورد عسر ولادت در اختیار قرار نهاده‌اند.

نتیجه‌گیری: رساله «اسرار قاسمی» با محتوایی نامتعارف از کاربرد دستورالعمل‌های کیمیای و رساله «حرزالامان من فتن الزمان» با تکیه بر کلام مقدس، ادعیه و تأثیر نهضت‌های صوفیانه، راهکارهایی فراهنجار در عسر ولادت ارائه داده‌اند. مفرداتی جهت تسهیل ولادت در متون علوم غریبه عصر صفوی توصیه شده‌اند که همراه با قدرت حروف و الفاظ مقدس در قالب کتابت، خواندن و نوشتن به حامل تصریح گشته‌اند.

واژگان کلیدی: عسر ولادت؛ علوم غریبه؛ طب فراهنجار؛ طب عصر صفوی

نویسنده مسئول: سیده‌مریم پورصالح امیری، پست الکترونیک: Maryamamiri867@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Seyed Ahmadi Zavieh SS, Poursaleh Amiri SM. Rereading the Treatments for Difficult Childbirth in the Exotic Science Texts of the Safavid Era (Case Study: Asrar Qasemi and Herz al-Amān men Fetan al-Zamān Treatises). *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2025; 17: e10.

مقدمه

نخستین تجربه ناخوشایند زیسته انسان درد بود و پزشکی به منزله اهتمام جهت تنازع بقا، تعویق مرگ و کاهش درد، مهم‌ترین دغدغه همه روزگاران محسوب می‌شد. بنابراین تلاش بشر در پایداری نسل، امری مستمر و پیوسته در تمامی تمدن‌ها به شمار می‌آید. پیش از ظهور پزشکی به عنوان علمی محض و متقن، این علم از سنخ اعمال ناظر به مقوله فراطبیعی شکل یافت، زیرا «طب اولیه را باید مجموعه‌ای از اعمال دید که عقاید خاص درباره علت ناخوشی‌ها شالوده آن را تشکیل می‌دهد و با جهان‌بینی عمومی اعضای جامعه شکل می‌گیرد» (۱-۲). بر اساس باور مردمان در پیدایش بیماری، علت درد از ناحیه اهریمن و سبب درمان از ناحیه خدایان و آسمانی قلمداد می‌شد. این چنین استمداد از نیروهای آسمانی طی مناسک و آیین‌ها برای طلب درمان و یا دوری از عوامل بیماری‌پدیدار گشت. این نگرش در طول تاریخ تا عصر اسلام ادامه یافت. در دوره صفوی پزشکی ادامه سه مکتب پزشکی دوره میانه، یعنی طب اخلاطی، طب عامیانه و طب نبوی، سه فرآیند معمول از نخستین دوران اسلامی بود که به فراخور شرایط، گسترش یافتند، تضعیف و یا ترکیب شدند. تثبیت مذهب تشیع سبب فراگیری و تعمیم طب نبوی شد و با ظهور دولت مستقل و قدرتمند صفوی، پزشکی و داروسازی نسبت به دوران پیش و پس از آن پیشرفت‌ها و تحولاتی را تجربه کرد. عقاید، افکار و شیوه حکومت شاهان صفوی بر پزشکی این عصر تأثیر گذاشت و باعث به وجود آمدن پزشکی بر پایه نجوم و پزشکی مذهبی و نیز آیین‌های شفا چون استفاده از عزائم (عزائم؛ آیات قرآن مجید که برای شفای بیمار خوانند)، دعا و... گردید (۳). اغلب این دستاوردهای تاریخی و اجتماعی در دستاوردهای فرهنگی چون نسخ خطی و آثار هنری نمود می‌یابند. متون بازمانده از عصر صفوی شاهدی زنده بر تحولات تاریخی، علمی، مذهبی، فرهنگی و فلسفی‌اند. این گواهان به عنوان مرجعی متقن در بسیاری از موضوعات، بدون جانبداری، وقایع دوران را بازگو می‌کنند. یکی از متون بازمانده، سفرنامه‌های این دوران می‌باشند. نگاشته‌های سیاحان عصر

صفوی نشان می‌دهد که استمرار نسل و نازایی مشکلی جدی به شمار می‌آمده است. ژان شاردن (Jean Chardin) خاطر نشان می‌کند: «زنان نازا برای رهایی از این غصه به هر کس و هر دارو توسل می‌جویند، زیرا در نظر زنان مشرق زمین هیچ دردی جان‌گرای‌تر از غم سترون بودن نیست» (۴). تاورنیه (Jean-Baptiste Tavernier) نیز برای حل این مشکل از روش‌های نامتعارف چون بلع پوست ختنه توسط زنان نازا برای ایجاد توالد نام می‌برد (۵). بنابراین راهکارهای مندرج در دانشنامه‌ها و دستورالعمل‌های غیر مرسوم در متون علوم غریبه، تنجیمی، عجایب‌نامه‌ها و... تلاش‌هایی جهت احیا و صیانت از تندرستی مادر و فرزند و باروری محسوب می‌شد.

این پژوهش با رویکردی دگرگونه و نوآورانه به مطالعه علم طب بر بستر علوم غریبه و تمرکز بر تبیین راهکارهای درمانی فرهنجار و فراطبیعی به نگارش درآمده است. هدف این تحقیق بازنمایی راهکارهای درمانی شبه‌علمی در یکی از پربسامدترین مشکلات طب، یعنی مسأله عصر ولادت می‌باشد که تحت تأثیر وقایع اجتماعی، سنت‌های متفاوت درمانی یافته بود. همچنین شیوه‌های درمان در ساحت دستورالعمل‌های فراطبیعی که از قرائت متون علوم غریبه عصر صفوی مستخرج گشته، مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش

تحقیق پیش رو به شیوه تحلیلی با استناد به داده‌های تاریخی و مذاقه بر منابع دست اول عصر صفوی سامان یافته است. منابع عصر صفوی در حوزه علوم غریبه شناسایی و منابع معتنابه و مورد وثوق مورد مطالعه قرار گرفت. انتخاب منابع بر اساس دو سنت اعتقادی دوران، یعنی تأثیر مذهب و باورهای جادویی متبادر از گذشته صورت پذیرفته است. رساله‌های «اسرار قاسمی» و «حرزالامان من فتن‌الزمان» دو منبع شناخته‌شده علوم غریبه در این دوران‌اند که در حال حاضر به صورت غیر رسمی نسخه‌های ریسوی آن موجود و یا به صورت نسخه خطی در مراکز نگهداری اسناد قابل دسترسی می‌باشند که بازخوانی و موارد مورد نظر از این متون احصا گردید.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

۱. **طب فراطبیعی:** بی‌شک متون طب دیرین حاصل تجربه کهن مردمانی است که سال‌های بسیاری به آزمون و خطا سپری کرده‌اند تا دریابند چگونه و از چه راه‌هایی می‌توان بر بیماری‌های رایج غلبه کرد و ادامه حیات داد. در مقابل «طب عامه» بیماری‌ها را با نگرشی برآمده از قواعد اجتماعی - فرهنگی جاری در جامعه می‌نگرد و در این زمینه اصل و خاستگاه بیماری‌ها و عوامل بیماری‌زا را در عرصه‌های فراطبیعی، طبیعی - بوم‌شناختی، جادویی و دینی - اعتقادی می‌جوید و برای درمان بیماری‌های مربوط به هر یک از این خاستگاه‌ها روش‌ها و آداب و اعمال خاصی به کار می‌برد» (۲). بخش کثیری از این تجارب، وابسته به اعتقادات دینی و یا جادویی بوده‌اند. دعادرمانی یکی از روش‌های کهن و رایج در بین تمامی اقوام قلمداد می‌شده و لاعلاجی سبب روی‌آوردن به این سیاق درمانی بوده است. در طب فراهنجار، یکی از هفت آیین مقدس کلیسای کاتولیک و ارتدوکس، طی تدهین بیماران، کشیش یا روحانی با روغن مقدس بیمار را مسح می‌کند. این آیین معمولاً همراه با دعا برای شفای جسمی، آرامش روحی و تقویت ایمان فرد انجام می‌شود. در تمدن یهودیت و مسیحیت درمان با روغن مقدس (Healing with Holy Oil) یکی از سنت‌های مهم مذهبی است که ریشه در متون مقدس و تاریخ آیین‌های یهودیت و مسیحیت دارد. این عمل معمولاً با دعا، تدهین (مسح) و درخواست برکت الهی همراه است. این انگاره در تمدن ایران باستان نیز به انحای گوناگون متظاهر گشته است. به نوشته دینکرد، زرتشت پزشکی و طبیعت‌شناسی را از راه دانش ایزدی و بینش مینوی به دست آورد. او از راه دین، وردهایی را برای دورکردن بلا و شکست‌دادن دیو و پری، بی‌اثرکردن جادوگری و پری‌گری و درمان بیماری‌هایی که بیرون از اندیشه پزشکان بود، به مردم

بنمود (۲، ۶). در متون کهن ایران باستان (در متون مانوی نیز متون تعلیمی به صورت ادعیه، توبه‌نامه، متون نجومی و تفریحی و تعویذ بر ضد تب، طلسم و دورکردن دیوان در دست است) تمسک به نیروهای ماورایی، به ویژه کلام مقدس یا همان گفتار ایزدی که مَنُثَرَه خوانده می‌شود را قدرتی عظیم نسبت می‌دادند، به گونه‌ای که در باور آن‌ها، نیروی درمانگری موجود برتر از نیروی اشیای ملموس بود (۷). آنان پزشکانی بودند که با کلام مقدس درمان می‌کردند. در یشت‌ها، دعا‌های «ایریمای ایشیو» خطاب به «ایریمامن» (Airyaman) ایزد شفابخش، به صورت دعادرمانی و مَنُثَرَه پزشکی آمده است. گویا دعادرمانی یا همان اوستاخوانی اولین راه و بهترین روش در درمان بیماری‌ها بوده است (یکی از آن‌ها فصل ۶۳ از کتاب روایات پهلوی است که افسون یا دعای ضد تب و بندآمدن خون در آن منقول است. در آغاز این افسون جمله‌ای به زبان اوستایی نقل شده که معنی آن روشن نیست، سپس آمده است که باید ریسمانی را رسید و سه لا کرد و بنا به مورد، گره‌هایی زد و بر بازو بست. در مورد بندآمدن خون نیز باید دعایی را که مشتمل بر سه کلمه است، بنا به مورد، دفعاتی خواند). گیاهان نیز در ایران باستان بسیار مقدس شمرده می‌شدند. هوم، چه ساقه آن و چه شربت و عصاره‌اش، با نگه‌داشتن و نوشیدن و ستایش کردن، موجب دوری و شکست و بی‌اثرشدن وجود و آسیب دیوان و جادوان و بیماری‌ها می‌شد. به نظر می‌رسد تداوم این نگرش سنتی تا دوران معاصر، برگزاری آیین‌های درمانی چون زار، حمدشه و... را در عصر مدرن توجیه می‌کند.

در ریشه‌یابی این نگرش باید توجه داشت که فرهنگ مادی که برساخته اجتماع است، از فرهنگ معنوی که محصول رویدادهای اجتماعی است نشأت می‌گیرد. بنابراین کیش‌نمودها یا آثار مادی باقی‌مانده از یک عصر ایفاگر نقشی فراتر از یک شیء تاریخی، هنری و کاربردی محسوب می‌شوند. میرچا الیاده (Mircea Eliade) اسطوره‌شناس و دین‌پژوه، به این ارتباط مادی و معنوی اشاره دارد. او تقدس گیاهان و خواص جادویی و درمانی آن‌ها را برآمده از این باور می‌داند که

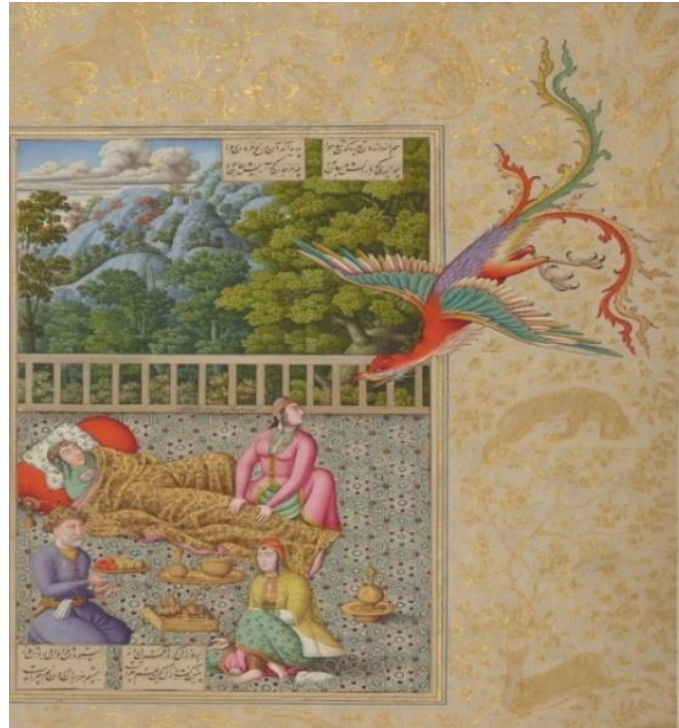
انگشت درآمد. از این رو در فارسی آن را پنجه مریم، چنگ مریم، شجره مریم و بخور مریم نامیده‌اند» (۹).
 اقسام دیگری از این نگرش را می‌توان در آثار هنری برجسته این عصر مشاهده نمود. ارزشمندترین شاهنامه‌ها که در این دوران خلق شده‌اند، راوی گفتمان طب فراهنجار در حکایت زاده‌شدن رستم می‌باشند (تصاویر ۱ و ۲). در همه این آثار سیمرغ به عنوان حکیم و طبیب فرزانه‌ای است که رستم را از حوادث به واسطه دانایی در علم پزشکی رهنمون می‌شود. او در دشواری ولادت رستم راهکاری می‌نماید تا رستم و رودابه از نابودی نجات یابند. این آثار نمونه‌ای از اعتقادات و باورهای نهادینه‌شده در روش‌های فراگیر عسر ولادت است.

نخستین بار، ایزدی آن‌ها را کاشته یا رویانده است. به نظر وی این گیاهان با نمونه‌های مثالی پیوند داشته و یا در اثر تکرار مجموعه‌ای از اعمال و وردها و کلمات جادویی و مذهبی از عرصه دنیوی جدا شده و جنبه قداست و ارزش علوی یافته بودند (۸). بنابراین کاربرد عینی آن‌ها مضاف بر درمانگری، کاربردی فراطبی نیز می‌باشد. بر اساس این دیدگاه اسطوره‌شناسی، مفردات طبی ملموس دارای جنبه‌ای باطنی‌اند که در متون علوم غریبه نقش آن‌ها معین گشته است. به طور مثال برخی منابع «خبزالمشایخ» را همان اسفند دانسته و آن را با حضرت مریم مربوط کرده و گفته‌اند: «حضرت مریم به هنگام درد در زادن عیسی (ع) بر گیاه «خبزالمشایخ» چنگ و پنجه افکند و این گیاه در اثر پنجه‌های مریم به صورت پنج



تصویر ۱: کمک سیمرغ به رودابه در تولد رستم از کتاب شاهنامه، دوره صفویه، ۱۰۸۶ ق.، رقم محمد زمان، محفوظ در موزه - کتابخانه چستر

(URL: 1)



تصویر ۲: کمک سیمرغ به رودابه در تولد رستم از کتاب شاهنامه، دوره صفویه، ۱۶۰۵ م./ قرن ۱۰ ق.، محفوظ در کتابخانه برلین (URL: 2)

۲. دال‌های مؤثر در شکل‌گیری متون علوم غریبه: در

دوران اسلامی با سیطره مبانی و آیین‌های اسلامی، دعادمانی تدریجاً به سوی کاربرد الفاظ و اوراد قرآنی و اسامی مقدس سوق داده شد. یکی از دال‌های مهم عصر صفوی که به شکل‌گیری سنتی خاص در نگارش انجامید، جنبش حروفیه بود که از پیروان فضل‌الله نعیمی استرآبادی (۷۴۰ ق.) نشأت می‌گرفت. پیش از گسترش این جنبش، علوم غریبه به شیوه‌های متفاوتی اجرا می‌شد، اما پس از نفوذ این فرقه متون این علوم به تدریج بر محوریت حروف، کلمات، سوره‌ها و آیات قرآن و نیز کاربرد اسمای الهی متمرکز شد. حروفیه با تکیه بر حساب جمل، برای کلمات، حروف و اصوات خواص عجیبی قائل بودند و برخی آیات و معارف دینی را از همین راه تأویل و تفسیر می‌کردند. به نظر آنان کلمات وسیله خلق عالم هستند. در یکی از متون کهن این عصر، در بیان عقاید حروفیه آمده است: «بدان که مراد ما (حروفیه) از حروف مقطعه قرآنی نه این صورت خط است و بس، بلکه مراد، آن نوری است که اول به دل تو می‌رسد و بعد از آنکه بر زبان آمد، گوش تو آن را در

می‌یابد از راه سمع...» (۱۰). این نگرش که بر تأثیر عینی حروف و کلمات تأکید داشت با تشبیه به طب اخلاطی تبیین می‌شد، بدین معنا که هر حرفی را - همانند مفردات دارویی - دارای خواصی مرتبط با طبایع چهارگانه می‌دانستند و معتقد بودند، همان‌گونه که گیاهان و مواد طبیعی در درمان بیماری‌ها به کار می‌روند، حروف نیز قابلیت درمانگری دارند. مؤلف «حرزالامان من فتن‌الزمان» با استناد به این دیدگاه می‌نویسد: «باید دانست همچنانکه احجار که در معادن ظاهر می‌شود و ادویه مفرده از جنس نباتات که در هر زمینی می‌روید و اجزا و اعضای حیوانات از هر صنفی که می‌باشد از خاصیتی و منفعتی خالی نیست و در معالجات طبی معین و مقرر است. همچنین جواهر حروف نیز بی‌شک و شبهه از مثل این خواص خالی نخواهد بود و همچنانکه عقاقر (عقاقیر؛ ادویه) و ابازیر (آنچه در دیگ کنند از ادویه از فلفل و امثالهم) ادویه مفرده را حکمای یونان و غیر ایشان طبایع اثبات کرده‌اند و مزاج هر یک از دارو را معلوم فرموده، واقفان مواقف حروف نیز برای هر حرفی طبیعتی و مزاجی خاص اثبات کرده، بعضی را گرم یافته‌اند و

بعضی را سرد و بعضی را خشک و بعضی را تر و بعضی را ترکیب القوی یافتند از گرمی و خشکی و سردی و تری چنانچه در فصل یازدهم و دوازدهم از باب پنجم این مقاله سمت ایراد خواهد یافت» (۱۱)، بدین‌ترتیب ارزش و مرتبه حروف در منابع مهم علوم غریبه دوران میانه اسلامی نمایان گشت و بخش مهمی از دستورات در رساله‌های «اسرار قاسمی» و «حرزالامان من فتن‌الزمان» بر اساس کیفیات حروف و دیدگاه‌های دینی سامان یافت.

۳. عسر ولادت در دو رساله مهم علوم غریبه: رساله‌های «اسرار قاسمی» و «حرزالامان من فتن‌الزمان» دو منبع قابل ملاحظه در دوران میانه اسلامی می‌باشند که به دلیل ارجاعات به محتوای آن‌ها در متون علوم غریبه دوران پسین و اعتبار مؤلفین آن‌ها، در دوران جدید نیز مورد توجه محققان و مراکز علمی قرار دارند. از طرفی جامعیت این دو نسخه از حیث موضوعات گوناگون و توجه آن‌ها به دستورات طبی و موضوع مشترک عسر ولادت سبب انتخاب این متون گشت.

حسین بن علی الواعظ کاشفی (۱۵۰۴ م./ ۹۱۰ ق.) نویسنده «اسرار قاسمی» در علوم مختلف همچون تفسیر، حدیث، فن خطابه، انشاء، ریاضیات، علوم غریبه، نجوم و جز آن‌ها تبحر داشت. از وی کتاب‌های بی‌شماری همچون «اخلاق محسنی»، «انوار سهیلی»، «بدایع الافکار فی صنایع الاشعار»، «جواهرالتفسیر»، «رساله حاتمیه»، «الرساله العلیه فی الاحادیث النبویه»، «روضه‌الشهدا»، «فتوت‌نامه سلطانی»، «لب لباب معنوی»، «مواهب علیّه»، «رساله در امامت»، «تحفه‌الصلوات»، «فضل‌الصلوات مخزن‌الانشاء»، «صحیفه شاهی»، «شرح کتاب السرور فی علم‌الصنعه»، «آینه اسکندری»، «لوايح القمر»، «المرصدالاسنی فی استخراج الاسماء الحسنی»، «النقاوه فی آداب‌التلاوه»، «لباب‌المعنوی فی انتخاب‌المثنوی» و «دیوان کاشفی» بر جای مانده است که از این میان «اسرار قاسمی»، «آینه اسکندری»، «لوايح القمر»، «شرح کتاب السرور فی علم‌الصنعه»، «الموصد

الاسنی فی استخراج‌الاسماء‌الحسنی» در باب علوم غریبه نگاشته شده‌اند. نویسنده مطالبی را از منابع متقدم گردآوری نموده و کتاب را به «امیر سیدقاسم» از امرای دولت صفوی اهدا نموده است، گرچه این نسخه پس از تأسیس مذهب تشیع تألیف شد، ولی همچون نسخه‌های طلسمی گذشته تمایل به سیاق نگارشی جادوانه داشت و بر اساس اسلوبی فراطبیعی نگارش یافت. علوم خمسه محتجبه، کیمیا (عملی که به سبب امتزاج روح و نفس، اجساد ناقصه را به مرتبه کمال رسانند، تبدیل قلع و مس به نقره یا طلا)، لیمیا (علم طلسمات)، هیمیا (فن تسخیر مجازی اجرام آسمانی با ورد و طلسم و انجام اعمالی که تسخیر آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند)، سیمیا (ایجاد صورت‌های موهوم و خیالی و واقعی جلوه‌دادن آن‌ها، تصرف در مخیله با قراردادن حروف و اسم‌ها در حالی که صرفاً خیالی است) و ریمیا (شعبده) موضوع اصلی کتاب می‌باشند (تصویر ۳). در مقصد سوم کتاب اسرار قاسمی که مشتمل بر علم لیمیاست، توصیه‌هایی برای شفای عاجل بیمار وجود دارد. دستورالعمل‌های روش‌های درمانی بر طبق کاربرد و ترکیب مواد در ساعات و اختیارات طالع بیان گشته و جداول ساعات و آیین‌نامه‌هایی در شایست و ناشایست اعمال بر طبق روزها و ساعات در منزل هر قمر فراهم شده است. شاید و نشاید‌ها در معالجه بیمار، فصد، حجامت، داروخوردن و مصاهرت (دامادشدن، ختونت) نمونه‌ای از این اعمال می‌باشند. به جز دستورات درمانی دستورالعمل‌هایی نیز جهت تمریض و تعقید در نسخه وارد شده است. این دستورات روش‌هایی را جهت بیمارنمودن و سلب سلامتی ارائه می‌نمایند. از سویی کاربرد حروف و اعداد در طلسم‌نگاری بیش از دوران قبل مشاهده می‌گردد که می‌توان آن را برگرفته از مناسبات اجتماعی و سیاسی دوران دانست. روش‌های درمانی با مشارکت حروف‌نگاری از روش‌های خاص این نسخه محسوب می‌شود (۱۲).



تصویر ۳: نسخه خطی اسرار قاسمی، ۹۱۰ ق.، نسخه تحریر شده به دستور کتابفروشی و چاپخانه محمدحسن علمی، محفوظ در کتابخانه مجلس به شماره ۸۱۲۶ گ

تذکره «حرز الامان من فتن الزمان» معتابه‌ترین رساله در خواص و آثار حروف مقطعه قرآنی و اسمای ربانی و سور و آیات فرقانی است که در قرن دهم قمری توسط فخرالدین صفی‌علی واعظی کاشفی پسر حسین واعظ کاشفی (نویسنده اسرار قاسمی) جمع‌آوری و تألیف شده است (تصویر ۴). صفی‌علی (۹۳۹ ق.) فرزند ملاحسین کاشفی وارث ادبیات علوم غریبه و متخصص در علم حروف در شهر هرات و به طور کلی در خراسان بود. از آثار او می‌توان به تذکره «رشحات عین‌الحیات» که از معروف‌ترین آثار او در باب زندگانی و سخنان بزرگان فرقه نقشبندیه است، اشاره کرد. همچنین «کشف الاسرار» تلخیص و شرح کتاب اسرار قاسمی (تألیف پدرش ملاحسین کاشفی) است. «تحفه خانی» و «سرالمصون

من العلم المکنون» نیز آثاری در باب علوم غریبه می‌باشند. صفی‌علی در آثارش می‌کوشد تا با استفاده از دانش‌هایی که نزدیک به علوم غریبه هستند، سامانه صوفیانه، علوم غریبه را تقویت کند. «حرز الامان من فتن الزمان» دارای پنج مقاله و هر مقاله دارای پنج باب منسوب به پنج تن آل عبا و هر باب دارای دوازده فصل، عدد ائمه اثنی عشر، است. مقالات عمدتاً به بررسی صفات و خواص حروف، به ویژه «حروف ثمانیه و عشرون» (۲۸ حرف)، طبایع مرتبط با هر حرف، خواص اسماء الحسنی، کاربردهای دعاهای مبتنی بر «اسم اعظم» و همچنین خواص آیات و سوره‌های قرآنی اختصاص یافته‌اند. مؤلف، حروف و سور قرآنی را از نفایس علوم خفیه و منسوب به ائمه اهل بیت (ع) و به کار بستن آن‌ها را در شرح مقدمه

برای دفع بلا خصوصاً امراض ضروری دانسته است؛ «اکثر این اعمال شریفه لازم بود و توسل جستن به آن واجب و متحتم، زیرا که نیل مطالب و مآرب [حاجات] و عروج به مراتب و مناصب و تسخیر نفوس جباران است و... و منع آفات و امراض (۱۱)، گرچه این جستار به سبکی متفاوت از مکتوبات طلسمی پیشین و تحت تأثیر کارکردهای عرفانی حروف نگاشته شده،

اما تهی از دستورالعمل‌های جادویی در رهایی از بیماری، مرض و دوری از آن‌ها نیست. مؤلف از هفده مأخذ و منبع در علم حروف، خواص قرآن، اسماءالله و طبایع حروف که در این اثر از آن‌ها استفاده شده، نام می‌برد. همچنین به هفده مورد دعادرمانی اشاره نموده، اما در دو فصل کامل، تماماً به مسأله بیماری و درمان پرداخته است.



تصویر ۴: نسخه خطی حرزالامان من فتن الزمان، قرن ۱۰ ق.، محفوظ در کتابخانه مجلس به شماره ۱۵۷۰۸

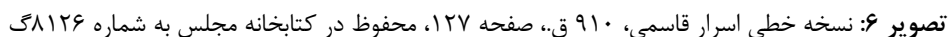
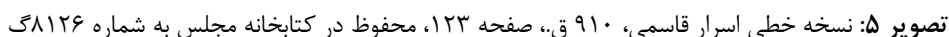
بحث

در دو رساله اسرار قاسمی و حرزالامان من فتن الزمان دستوراتی جهت تسهیل ولادت وجود دارد. اغلب این دستورالعمل‌ها بر محور دو شیوه مرسوم و فراطبیعی مبتنا گشته‌اند: روش‌های متعارف (طبیعی) که مبتنی بر ترکیب عناصر گیاهی، حیوانی و معدنی است و روش‌های فراطبیعی که در قالب توصیه‌های معنوی و فراهنجار (ماورایی) ارائه می‌شوند (جدول ۱). در نسخه اسرار قاسمی دو مورد و در نسخه حرزالامان من فتن الزمان شش مورد تسهیل ولادت وجود دارد که متأثر از سنت طلسمی - تعویذی و کاربرد سور قرآنی می‌باشند.

روش‌های متفاوتی در تأثیر کلام وحیانی وجود داشته است، اما متداول‌ترین روش برای استفاده از خواص قرآن تلاوت آیات آن است. در کنار تلاوت، شیوه‌های دیگری از جمله نوشتن آیات قرآن، خواندن آیات و دمیدن آن بر شخص بیمار، خواندن آیات بر آب و نوشیدن آن یا ریختن آن بر بدن بیمار، نوشتن آیات و مخلوط کردن آن با آب و نوشیدن آن، نوشتن آیات بر روی ظرف و نوشیدن آب در آن یا وضوگرفتن با آن آب و نوشتن آیات و آویختن آن به گردن انسان یا حیوان نقل شده (۱۵-۱۳) که در جدول زیر برخی از آن‌ها در درمان عسر ولادت توصیه شده است.

جدول ۱: مطالب مستخرج در باب عسر ولادت از رساله‌های اسرار قاسمی و حرزالامان من فتن الزمان

منبع	دستورالعمل و شیوه استعمال
اسرار قاسمی	... و اگر بیمار باشد این مهم را در میان آب یا شربت انداخته شسته بخورد، شقای عاجل یابد و چون زنی به دشواری زاید این انگشتی بر سر او بندند یا در آب شسته بدهند فی الحال به آسانی بار بنهد (تصویر ۵) (۱۲).
اسرار قاسمی	اگر خواهد که بداند زن حامله است یا نه [ف] دویست بار بخواند و اگر در خواب ببیند و اگر بر چیزی بخواند و به زن حامله دهد، زود بار نهد (تصویر ۶) (۱۲).
حرزالامان من فتن الزمان	اگر به هر ناخنی از ناخن‌های دست و پای زن حامله در وقتی که اثر وضع حمل پیدا شود، یک «الف» رقم زنند بعد از آنکه زن وضو ساخته باشد و دست و پا خشک کرده به آسانی و زودی بار بنهد (۱۱).
حرزالامان من فتن الزمان	اگر بر طعامی یا شیرینی بر همین عدد سیصد بار به عدد مجمل [ش] بخواند و بخورد حامله دهند، وقتی که اثر وضع حمل ظاهر شده باشد، به سرعت و سهولت بار بنهد (۱۱).
حرزالامان من فتن الزمان	... و در این عمل قمر از نحوس پاک باید به سعود و ناظر پس نوشته را به آب طاهر محو کرده، به خورد حامله دهد وقتی که اثر زادن پیدا شود به سهولت و سرعت بار نهد (۱۱).
حرزالامان من فتن الزمان	پس چون کتابت کنند این حروف را در طاسی نو یا قلع داده به مشک و زعفران و گلاب و به آب عذب [آب پاکیزه] محو ساخته صاحب ناسور [جرح، مجروح] و نقرس و یرقان و طحال و کباد [درد جگر] و ذات‌الصدر [درد سینه] و ذات‌الجنب [درد پهلو، درد سینه] از آن بیاشامد شفا یابد و اگر کسی این حروف را بر لوحی از نحاس [روی، مس، قلع] یا فضا [نقره] کتابت کند در اول حمل به شرطی که قمر ... جنین در شکم وی از سقوط ایمن بود و حامله در وقت وضع حمل به سهولت بار بنهد (۱۱).
حرزالامان من فتن الزمان	باب چهارم فصل ۱۰ در تسهیل ولادت و ازاله عسرت زادن (تصویر ۷) صاحب دورالنظیم آورده که هر که آیه قل من یرزقکم ... کتابت کند بر پوست کدوی شیرین بسیاهی و بر بازوی راست حامله بزند، وقتی که آثار وضع حمل ظاهر شود به زودی بار نهد و به سهولت خلاص گردد و هم وی فرموده که چون دشوار شود، بر زنی زاییدن باید که آیه اولم یرالذین کفرو ... بنویسد و از عقب آن کتابت کند که مریم و ولدت عیسی ... و آن نوشته را بر وی بزند، به سهولت و به سرعت بار بنهد و هم وی فرموده که بعضی از فضلا امر کردند مرا که آیه اولم یرالذین کفرو ... که پیش از این گذشت در محل وضع حمل نسا مکرر باید خواند و بر شکم ایشان هر بار نفث [دمیدن، تف کردن] باید کرد یا بر زیر ناف یا بر ظهر ایشان و این مجربست و به صحت رسیده (۱۱).
حرزالامان من فتن الزمان	باب چهارم فصل هشتم در حفظ عوامل و جنین و تسهیل ولادت و صیانت مولود صاحب دورالنظیم آورده که هر که سوره لم یکن را بر ظرف چینی نویسد و به آب طاهر محو سازد و حامل از آن آب آشامد وی را و جنین وی را در شکم نفع بلیغ رسد و از جمیع آفات و اعراض محفوظ و مصون باشد و هر که سوره الحاقه را کتابت کند و بر زن حامل بزند جنین در بطن وی از همه آفات و عاهات [آفت‌ها] مصون باشد ... و فرموده که اگر کسی سوره انشقت را بنویسد و نزدیک وضع حمل بر زن حامله بزند در ساعت به آسانی و سهولت بار بنهد و اگر کسی سوره والذاریات را کتابت کند و بر زنی بزند به عسرت می‌زاید فی الحال به آسانی بار بنهد (تصویر ۸) (۱۱).





تصویر ۷: نسخه خطی حرز الامان من فتن الزمان، قرن ۱۰ ق، صفحه ۱۲۹، محفوظ در کتابخانه مجلس شماره ۱۵۷۰۸



تصویر ۸: نسخه خطی حرز الامان من فتن الزمان، قرن ۱۰ ق، صفحه ۱۵۰، محفوظ در کتابخانه مجلس به شماره ۱۵۷۰۸

به نظر می‌سد مفردات توصیه‌شده در علوم غریبه همچون تریاق در رهایی از رنج بیماری کارگشا بوده‌اند. به بیان دیگر این داروها، اگرچه در علوم غریبه پرکاربردند، اما نمی‌توان تأثیر دارویی آن‌ها را در امراض و شفا نادیده گرفت. در اکثر نسخ علوم غریبه مفرداتی مرسوم در دستورکار قرار دارند. به طور مثال، کاشفی در حرزالامان من فتن‌الزمان به روشنی برای تأثیر اورداد و مکتوبات، ترکیبات و چگونگی به کارگیری آن‌ها را بیان نموده و دستورالعمل استعمال آن‌ها را این چنین آورده است: «باید که به مشک و گلاب و زعفران بر ظروف چینی یا زجاجی بنویسد و به آب باران محو سازد و اگر نیابد به آب عذب (خوش‌گوار) طاهر پس بیاشامد تا جمیع امراض و اوجاع (دردها) منتفع شود» (۱۱). مشک، گلاب و زعفران در مفردات طبی دارای بخشی لطیف می‌باشند که این کیفیت خاص و منحصر دارویی، تأثیرات شگفت‌انگیزی در معضلات روحی - روانی و جسمانی دارد. زعفران، مشک و گلاب مضاف بر کارکرد دارویی، به مثابه جوهری که نیروهای فراطبیعی را در کالبد کلمات تجسم می‌بخشد، در درمان، نقشی فراکارکرد یافته‌اند. از زعفران مایه زرد نگی به نام جوهر زرد درست و از آن برای نوشتن دعا استفاده می‌کردند. در رسوم دعانویسان کاغذ دعا که با جوهر زعفران نوشته شده بود را در آب می‌شستند و این آب زرد دعا که به اعتقاد آنان دارای تأثیر بوده و باعث مشکل‌گشایی می‌شده است را نُشره یا نشره آب می‌نامیدند (۱۶). استفاده از زعفران در تسهیل ولادت یا استعمال ظروف برنجی، نقره‌ای یا سفید بر ارتباط با تأثیر

مثبت رنگ بر فرآیند شفا استوار است. مؤلف حرزالامان من فتن‌الزمان برای فایده هر عمل و حصول نتیجه طالب، از اعمال لطفیه و قهریه به رنگ‌های خاص اشاره می‌کند. به طور مثال در اعمال عداوت باید رنگی به کار برد که تعلق به کواکب نحس دارد، مثل سیاه، کبود، سرخ و در اعمال محبت رنگی اختیار کند که به کواکب سعد منسوب است مانند سفید، سبز و زرد (۱۱). به جز انتخاب رنگ، جنس فلزات همان‌گونه که در جدول ۱ آمده است، برای تسهیل ولادت دارای اهمیت بود. کاسه چهل کلید برنجی موزه بروکلین نمونه کاملی از این نوع ظروف است (تصاویر ۳ و ۴) که علاوه بر نگارش مکتوبات مذهبی، حروف و کلمات در اوقات و ساعات معین بر روی این ظروف که عموماً از نقره، برنج یا چینی ساخته می‌شوند، دستورالعملی رایج در شیوه‌های درمانی دوران اسلامی نیز دارند. در بیشتر موارد ظروف، خود دارای آیات و سور قرآنی و اسمای مقدس یا مرقوماتی طلسمی، چون جداول وفقی و تصاویر نجومی هستند. منجمان در بسیاری از منابع طبی قدیم و منابع علوم غریبه ماه‌های نه‌گانه جنینی را با کواکب سبعة تطبیق داده و خلقت هر عضو را منسوب به یک برج خاص (برج دوازده‌گانه حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حوت) می‌دانند. از سوی دیگر وجود «کتیبه تعلق» به نام (صاحب‌ه خیرالنساء خانم) نشان می‌دهد این ظرف منسوب به یک خانم و احتمالاً در مناسبات طبی مانند تسهیل ولادت به کار گرفته می‌شد.



تصویر ۳ و ۴: نمای داخل و بیرون کاسه چهل کلید برنجی، دوره صفویه، محفوظ در موزه بروکلین، بر روی تمام سطح ظرف، اعم از داخلی و خارجی سوره‌هایی از قرآن کریم (سوره فتح، فلق، ناس، احد، کافرون، قدر و...) به خط ریز حک شده است. در نمای بیرونی در حاشیه بالا از تصاویر تنجیمی (بروج دوازده‌گانه) و مابین فضاها خالی از اعداد طلسمی آکنده است. چهار پلاکی که به ظروف متصل است همگی دارای نوشتاری طلسمی و ناخوانا از اعداد، حروف، علائم و نشان‌ها می‌باشد. در خارج ظرف کتیبه‌ای وجود دارد که به تاریخ ۱۰۰۹ قمری و نام صاحب آن (خیرالنساء خانم) اشاره می‌کند (URL: 3).

نتیجه‌گیری

پزشکی اساساً فرآیندی در جهت حفظ سلامتی، بازگرداندن تندرستی و پیشگیری از بیماری توصیف شده است، اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین نقش پزشکی مسئولیت آن در تداوم نسل بشر و کمک به بقای اوست. در کنار روش‌های علمی متداول، مرسوم و هنجار، به جهت تسهیل ولادت و سلامت مادر و نوزاد، استمداد از نیروهای فراطبیعی و علوم غیبی تدبیری محتاطانه محسوب می‌شد. از این رو علوم دیگر همچون علوم غریبه به این مسأله وقع نهاده و راهکارهای گوناگونی برای تندرستی مادر و فرزند پیش روی نهاده است. عموماً بخش کثیری از این مضامین جادویی منسوب به منابع علوم غریبه و مضامین دعادرمانی منبعت از منابع طب النبوی می‌باشند که برای تسهیل زایمان توصیه شده‌اند.

رساله «اسرار قاسمی» با محتوایی نامتعارف از کاربرد دستورالعمل‌های کیمیای و رساله «حرز الامان من فتن الزمان» با تکیه بر آثار فراطبیعی کلام مقدس، ادعیه و تأثیر نهضت‌های صوفیانه، راهکارهایی فراهنجار در عسر ولادت ارائه داده‌اند. مشک، گلاب و زعفران نمونه‌ای از مفردات توصیه‌شده برای تسهیل ولادت در متون علوم غریبه عصر صفوی

می‌باشند که همراه با قدرت حروف، سور، آیات و الفاظ مقدس در قالب کتابت، خوراندن و نوشاندن به حامل تصریح گشته‌اند. همچنین کاربرد رنگ‌ها و فلزات تابعی از نیت خیرخواهی و یا شرخواهی مطالبه‌گر می‌باشند که در این مقاله به جهت ملاحظه در شفاخواهی و عسر ولادت به وجه اعمال لطفیه آن پرداخته شده است.

مشارکت نویسندگان

سیدسعید سیداحمدی زاویه: نظارت بر محتوای علمی، مرور کلی و بازنگری، ویرایش و اصلاح نهایی مقاله.
سیده‌مریم پورصالح امیری: ایده مقاله، جستجوی منابع، بازخوانی متون و نسخ، گردآوری داده‌ها، نگارش مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش این مقاله، هیچ نوع هوش مصنوعی به کار گرفته نشده است.

References

1. Lambert H. Medical Anthropology, Encyclopedia of social and culture Anthropology. Edited by Barnard A, Spencer J. London: Routledge; 2002. p.358.
2. Bloukbashi A. Anthropology of medical knowledge in Iranian culture. Tehran: Sokhan & Dr.Mahmood Afshar; 2020. p.39-40, 70. [Persian]
3. Eslami Fard Z. Analysis of Medical and pharmaceutical knowledge in the Safavid era. Thesis. Qom: University of Islamic Science; 2018. [Persian]
4. Chardin J. The Travels of Chardin. Translated by Yaghmaei I. Tehran: Toos Publications; 1993. Vol.3 p.1037. [Persian]
5. Tavernier JB. The Travels of Tavernier. Translated by Noori A. Edited by Shiran H. Tehran: Ketabkhaneh Sanayi; 1957. p.615. [Persian]
6. Amouzgar J, Tafazzoli A. The myth of Zoroaster's life. Tehran: Cheshmeh Publications; 1993. p.108-109. [Persian]
7. Doustkhah J. Avesta. Tehran: Morvarid Publications; 2000. p.44. [Persian]
8. Eliade M. Patterns in Comparative Religion. Translated by Sheed R. London: Sheed and Ward; 1971. p.296.
9. Bloukbashi A. The Great Islamic Encyclopedia. Tehran: The Centre for the Great Islamic Encyclopedia; 2006. Vol.8 p.175. [Persian]
10. Gheyarani V. The Intellectual Foundations of the Hurufiyya (In a Hurufi Manuscript Collection). Mithaq-e Amin. 2007; 5: 73-84. [Persian]
11. Kashefi A. Herz al-Amān men Fetan al-Zamān. Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran Parliament. No.86419, Folio.9 r, 1 r & v, 34 r, 41 r, 43 r, 63 v, 129 r & v, 150 r & v, 22, 68 v. [Persian]
12. Kashefi H. Asrār Ghāsemi. The version written by Mohammad Hasan Elmi bookstore and printing house, Tehran: Library, Museum and Document Center of Iran Parliament. No.8126. 1902. Folio.30, 31,134, 123,136, 137, 138. [Persian]
13. Ibn Qayyim al-Jawziyyah M. Zad al-Ma'ad fi Hady Khayr al-'Ibad. Beirut: Shu'ayb Arna'ut and 'Abd al-Qadir Arna'ut; 1991. Vol.4 p.18-170. [Arabic]
14. Za'faranizadeh S. The Properties of the Quran, Encyclopaedia of the World of Islam. Tehran: Foundation for Islamic Encyclopaedia; 1996. Vol.16 p.345. [Persian]
15. Al-Howaymel TSF. Khawas al-Quran al-Karim. Dammam: Dar Ibn al-Jwzi; 2008. p.152-161. [Arabic]
16. Gerami B. Flowers and plants in a thousand years of Persian poetry. Tehran: Sokhan Publications; 2010. p.154. Available at: https://www.viewer.cbl.ie/viewer/image/Per_277_3/2/, Access October 18, 2024; https://www.digital.staatsbibliothekberlin.de/werkansicht?PPN=PPN731525744&PHYSID=PHYS_0365&DMDID=DMDLOG_0022, Aaccess October 18, 2024; <https://www.brooklynmuseum.org/opencollection/object/3007>, Access October 18, 2024. [Persian]